

تاریخ و رجال



چکیده:

این مطلب که امام حسین علیه السلام حج تمتع خود را نیمه تمام گذاشته، به عمره تبدیل کرد و مکه را به هدف عراق ترک نمود، برای برخی از تاریخ نویسان، گویندگان و نیز مداحان، امری است مسلم و به عنوان نظریه‌ای مشهور جا افتاده است.

در مقابل این، نظریه دیگری است که باور دارد اینگونه نبوده است که آن حضرت مُحرم به احرام حج تمتع شده و آن را از باب حکم مصدود، به عمره مفرده بدل ساخته است، بلکه امام علیه السلام با عمره مفرده وارد مکه شد و با طواف وداع یا با عمره ماه ذی حجه از مکه خارج گردید.

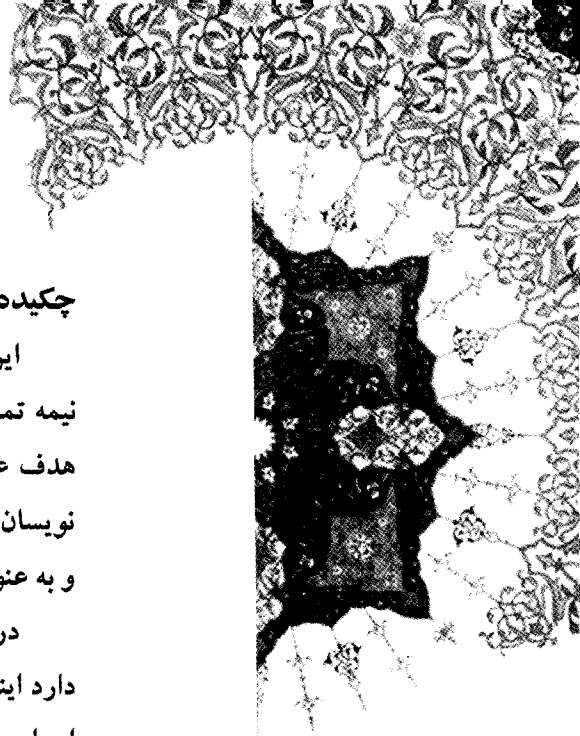
اگر برخی از مورخان و گویندگان در نقل‌های تاریخی خود، دقت بیشتری می‌کردند و آن را با روایات صحیح تطبیق می‌دادند، قول مشهور را برمی‌گزیدند.

نتیجه این دو نظریه این است که عمل امام علیه السلام به عنوان یک سنت عملی، قاعده فقهی است. اگر نظریه نخست را بپذیریم، باید فقها در فتوای خود به آن استناد کرده باشند، که در ظاهر این‌گونه نیست.

در این پژوهش با استناد به روایات صحیح و دقت در نقل‌های تاریخی و به پشتوانه استنباط فقیهان، نظریه صحیح غیرمشهور را برگزیده‌ایم:

حج نیمه تمام!

ابراهیم ابراهیمی





قول مشهور

۱. مرحوم شیخ مفید (متوفای ۴۱۳ هجری قمری) در کتاب شریف «الارشاد» می‌نویسد: امام حسین علیه السلام به خاطر ترسی که از دشمن داشت، نتوانست حج را به‌جا آورد و نیت خود را به عمره مفرده تبدیل کرد و پس از اتمام اعمال عمره، مکه را به سوی عراق ترک نمود.

«و لما أراد الحسين عليه السلام التوجه إلى العراق، طاف بالبيت و سعی بين الصفا و المروة و أحلّ من إحرامه و جعلها عمرة لأنه لم يتمكن من تمام الحجّ مخافة أن يقبض عليه بمكة، فينفذ إلى يزيد بن معاوية، فخرج عليه السلام مبادراً بأهله و ولده و من انضم إليه من شيعته»^۱

وقتی امام حسین علیه السلام تصمیم گرفت به عراق برود، خانه خدا را طواف کرد و میان صفا و مروه سعی نمود و از احرام خود خارج شد و آن را عمره قرار داد (تبدیل نیت به عمره مفرده) زیرا به خاطر دستگیر شدن در بین مناسک نمی‌توانست اعمال حج را به پایان برساند. چون می‌خواستند او را دستگیر کنند و نزد یزید بن معاویه ببرند. از این روی امام علیه السلام با خانواده خود و شیعیان همراهش از مکه خارج شدند.

۲. محمد بن احمد بن علی الفتال النیشابوری (متوفای ۵۰۸ قمری) که رئیس نیشابور او را به شهادت رساند (معجم رجال الحدیث) در روضة الواعظین (ص ۱۷۷) گفتاری مثل گفتار شیخ مفید، در کتاب خود نقل کرده‌اند.

۳. شیخ طبرسی (متوفای ۵۴۸ قمری) علت تبدیل احرام امام علیه السلام به عمره مفرده را این‌گونه بیان می‌کند که: «لأنه لم يتمكن من تمام الحجّ مخافة أن يقبض عليه بمكة فينفذ إلى يزيد بن معاوية»؛ زیرا به خاطر دستگیر شدن در هنگام انجام مناسک، نمی‌توانست اعمال حج را به پایان برساند، چون می‌خواستند او را دستگیر کنند و نزد یزید بن معاویه ببرند.^۲

نکته: از کلمه «من تمام الحجّ» در نقل شیخ مفید و شیخ طبرسی فهمیده می‌شود که امام علیه السلام مُحرم به احرام حج نشده بوده، بلکه نیت عمره تمتع را به عمره مفرده تبدیل کردند.

۴. علامه سید مرتضی عسکری در کتاب «معالم المدرستین»، به نقل تاریخ ابن کثیر (متوفای ۷۴۴ قمری) از امام حسین علیه السلام نقل می‌کند که: «ثم طاف الحسين بالبيت و بين الصفا و المروة و قص من شعره و أحلّ من إحرامه و جعلها عمرة».^۳

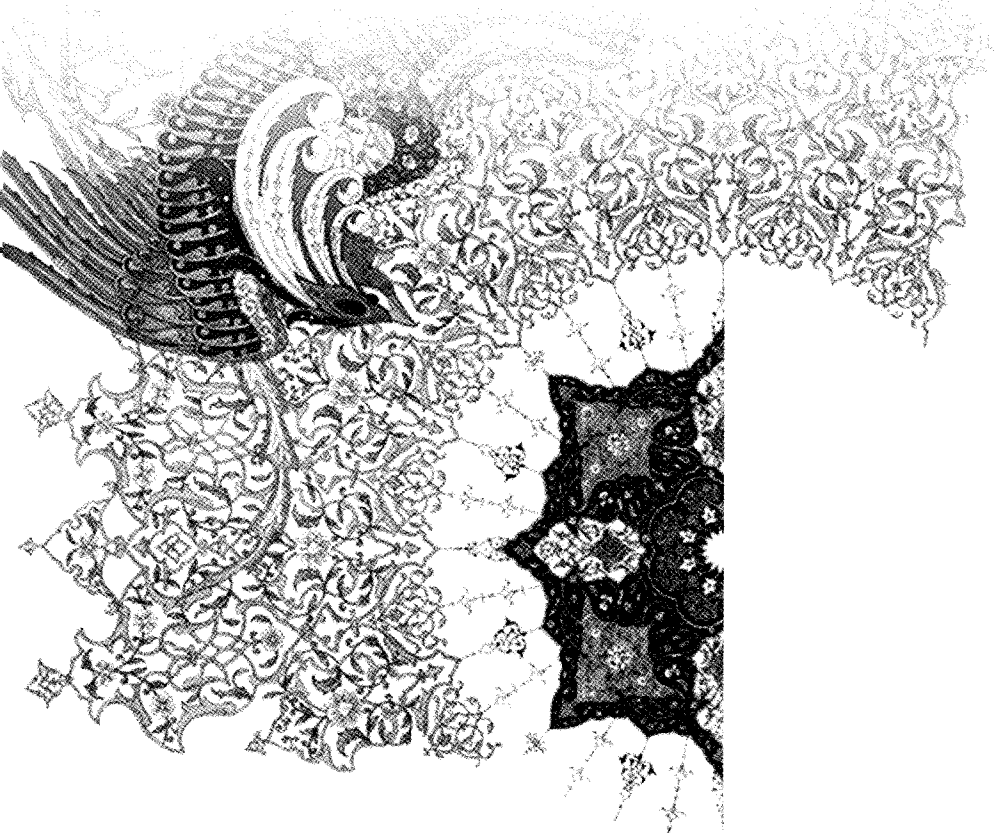
نکته: از کلمه «و جعلها عمره» در نقل ابن کثیر فهمیده می شود که امام علیه السلام نیت احرام حج را به عمره مفرده تبدیل نمودند که خلاف قاعده است.

۵ - علامه مجلسی (متوفای ۱۱۱۱ قمری) در کتاب بحار الأنوار (ج ۴۴، ص ۳۶۳) قول

شیخ مفید را پذیرفته و به نقل از منتخب آورده است:

«أنَّ يزيد أنفذ عمرو بن سعيد بن العاص في عسكر عظيم و ولاء أمر الموسم و أمره على الحاج كلهم و كان قد أوصاه بقبض الحسين عليه السلام سرّاً و إن لم يتمكّن منه بقتله غيلة، ثمّ إنه دس مع الحاجّ في تلك السنة ثلاثين رجلاً من شياطين بني أمية و أمرهم بقتل الحسين عليه السلام على أيّ حال اتفق، فلمّا علم الحسين عليه السلام بذلك، حلّ من إحرام الحجّ و جعلها عمره مفرده»^۴.

مضمون نقل این است که یزید عمرو بن سعید بن عاص را با لشکری عظیم امیر حج کرد و از او خواست که امام حسین علیه السلام را دستگیر نماید و اگر نتوانست به قتلش رساند و سی نفر از شیاطین بنی امیه را در میان حاجیان قرار داد و آنان را مأمور کرد که به شکل ممکن، امام حسین علیه السلام را به قتل برسانند. وقتی امام حسین علیه السلام از این توطئه آنان آگاه شد، از احرام حج خارج گردید و آن را عمره مفرده قرار داد.





نکته: از کلمه «حلّ من إحرام الحجّ و جعلها عمرة مفردة» در نقل علامه مجلسی فهمیده می‌شود که امام علیه السلام نیت احرام حج را به عمره مفرده تبدیل کرد و از احرام خارج شد، که خلاف قاعده است.

۶ - شیخ عبدالله البحرانی (متوفای ۱۱۳۰ قمری) هم گفتاری مثل گفتار شیخ مفید در کتاب ارشاد، در کتاب خود (کتاب العوالم، الإمام الحسین علیه السلام، ص ۲۱۳) نقل کرده‌اند.

۷ - قندوزی (متوفای ۱۲۴۹ هجری قمری) در کتاب ینایع الموده می‌نویسد:

«بعد أن طاف و سعی و أحلّ من إحرامه، و جعل حجّه عمرة مفردة، لأنّه لم يتمكّن من إتمام الحجّ مخافة أن يبطش به و يقع الفساد في الموسم و في مكّة، لأنّ يزيد أرسل مع الحجاج ثلاثين رجلاً من شياطين بني أمية و أمرهم بقتل الحسين على كلّ حال».^۵

بعد از این‌که امام علیه السلام طواف و سعی انجام داد. از احرام خارج شد و نیت خود را به عمره مفرده تبدیل کرد؛ زیرا می‌ترسید که در اثنای مناسک و در مکه فساد ایجاد شود و نتواند حج خود را به پایان برساند؛ چون یزید سی‌تن از شیاطین بنی امیه را در میان حاجیان قرار داده بود و آنان مأمور بودند که به هر شکل ممکن، امام حسین علیه السلام را به قتل برسانند.

نکته: از کلمه «و جعل حجّه عمرة مفردة» در نقل قندوزی فهمیده می‌شود که امام علیه السلام نیت احرام حج را به عمره تبدیل نمود و از احرام خارج شد و از عبارت «لأنّه لم يتمكّن من إتمام الحجّ» برداشت می‌شود که امام علیه السلام محرم به احرام حج شده بود و خوف آن داشت که نتواند آن را به پایان رساند، از این روی، با تبدیل نیت، از احرام خارج شد که خلاف قاعده است. اما در نقل شیخ مفید عبارت «من تمام الحجّ» بود که فهمیده می‌شود امام علیه السلام محرم به احرام حج نشدند بلکه نیت عمره تمتع را به عمره تبدیل نمودند.

قول غیر مشهور

آنان که قول مشهور را بر نمی‌تابند، می‌گویند: این‌گونه نبوده است که امام حسین علیه السلام محرم به احرام عمره تمتع شده و عمره تمتع را به عمره مفرده تبدیل کرده باشند یا چنین نبوده است که محرم به احرام حج تمتع گردیده و آن را از باب حکم مصدود، به مفرده مبدل ساخته باشند بلکه آن حضرت با عمره مفرده وارد مکه شدند و با طواف و اداع یا عمره مفرده ماه ذی حجه بدون تبدیل نیت، از مکه خارج گردیدند.

چنانکه امام صادق علیه السلام با استناد به فعل امام حسین علیه السلام می فرماید: «وَلَا بَأْسَ بِالْعُمْرَةِ فِي ذِي الْحِجَّةِ لِمَنْ لَا يُرِيدُ الْحَجَّ»؛ کسی که نمی خواهد حج به جا آورد، جایز است که در ماه ذی حجه عمره مفرده انجام دهد.

مستند این قول دو روایت صحیح از یک سو و تحلیل عقلی از وقایع تاریخی قبل از حرکت امام علیه السلام از مکه به عراق از سوی دیگر می باشد.

روایت نخست، صحیحۀ ابراهیم بن عمر الیمانی از ابی عبدالله علیه السلام است.

● «أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ خَرَجَ فِي أَشْهُرِ الْحَجِّ مُعْتَمِرًا، ثُمَّ رَجَعَ إِلَى بِلَادِهِ قَالَ: لَا بَأْسَ وَإِنْ حَجَّ فِي عَامِهِ ذَلِكَ وَ أَفْرَدَ الْحَجَّ فَلَيْسَ عَلَيْهِ دَمٌ فَإِنَّ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ علیه السلام خَرَجَ قَبْلَ التَّرْوِيَةِ يَوْمَ إِلَى الْعِرَاقِ وَ قَدْ كَانَ دَخَلَ مُعْتَمِرًا».^۶

از امام صادق علیه السلام درباره مردی سؤال شد که در ماه های حج، عمره مفرده به جا آورده، آنگاه به شهر خود بازگشته است. آن حضرت می فرماید: جایز است و اگر در همان سال حج به جا آورد و حج افراد انجام دهد، بر او قربانی نیست و در ادامه فرموده است: حسین بن علی علیه السلام روز ترویبه به جانب عراق رفت، در حالی که به عمره مفرده محرم شده بود.

روایت دوم، صحیحۀ معاویه بن عمار است.

● «قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام مِنْ أَيْنَ افْتَرَقَ الْمُتَمَتِّعُ وَالْمُعْتَمِرُ؟ فَقَالَ: إِنَّ الْمُتَمَتِّعَ مُرْتَبِطٌ بِالْحَجِّ وَالْمُعْتَمِرُ إِذَا فَرَغَ مِنْهَا ذَهَبَ حَيْثُ شَاءَ وَ قَدْ اعْتَمَرَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ علیه السلام فِي ذِي الْحِجَّةِ ثُمَّ رَاحَ يَوْمَ التَّرْوِيَةِ إِلَى الْعِرَاقِ وَ النَّاسُ يَرُوحُونَ إِلَى مِنَى وَ لَا بَأْسَ بِالْعُمْرَةِ فِي ذِي الْحِجَّةِ لِمَنْ لَا يُرِيدُ الْحَجَّ».^۷

معاویه بن عمار می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم فرق عمره تمتع و مفرده چیست؟ فرمود: عمره تمتع با حج مرتبط است و کسی که عمره مفرده را انجام می دهد، هنگامی که آن را به پایان رساند، می تواند به هر جا که بخواهد برود و امام حسین علیه السلام در ذی حجه عمره مفرده به جا آورد سپس در روز ترویبه به عراق رفت در حالی که مردم به سوی منامی رفتند و کسی که نمی خواهد حج به جا آورد، جایز است که در ماه ذی حجه عمره مفرده انجام دهد.

نکته: این دو روایت که از نظر سند صحیح اند، به طور صریح دلالت می کنند که امام حسین علیه السلام در ماه ذی حجه به عمره مفرده محرم شده و آن را به پایان رسانده اند و هیچ دلالتی بر تبدیل نیت، از آن ها فهمیده نمی شود.



امام علیه السلام پیش از حرکت از مدینه به سوی مکه، در عالم خواب از پیامبر اسلام شنیده بود که فرمود: «حبیبی یا حسین، کأنی أراك عن قریب مرماً بدمانك مذبوحاً بأرض کرب و بلاء»^۸؛ «عزیز من! ای حسین! گویا می بینم که به همین زودی در سرزمینی به نام کربلا کشته و سرت از تن جدا می شود و در خون خود می غلتی.»

مرگ بر انسان ها لازم گردیده و همانند گردن بند
در گردن دختران است و من به دیدار نساگانم
آنجان اشتاق دارم که یعقوب به دیدار یوسف

نقل شده که امام حسین علیه السلام بیست و پنج بار به زیارت خانه خدا رفت که آخرین بار در سال ۶۰ هجری بود.

و در سال ۵۷ هجری بود که آن حضرت در کنار جبل الرحمه دعای عرفه را خواندند. امام حسین علیه السلام شب ۲۷ رجب سال ۶۰ هجری قمری، از میقات مسجد شجره به صورت عمره مفرده عازم مکه شدند و سوم شعبان به مکه رسیدند. بعد از اعمال عمره مفرده، مکه را پایگاه خود قرار داد و ماه های: شعبان، رمضان، شوال، ذی قعدة و هفت روز از ذی حجه را در مکه گذراند و مردم نیز گروه گروه با ایشان دیدار می کردند. حتی عبدالله بن زبیر در جماعت امام شرکت می کرد.^۹

کوفیان پس از شنیدن ماجرای مخالفت امام علیه السلام با یزید، او را به عراق دعوت کردند. از این رو، امام علیه السلام مسلم بن عقیل را در ۱۵ رمضان سال ۶۰ به کوفه فرستاد تا اگر مردم خواهان او هستند، عازم عراق شود. پس خطاب به او فرمود:

«و إن رأیت الناس مجتمعین علی بیعتی فعجل لی بالخبر حتی أعمل علی حسب ذلك».

«اگر دیدی که مردم در بیعت با من یکپارچه اند و براین امر تمایل دارند، بی درنگ خبر آن را به من برسان تا بر اساس آن اقدام کنم.»

مسلم بن عقیل پنجم شوال به کوفه رسید و بعد از این که حدود ۱۸ هزار نفر با او بیعت کردند، با فرستادن نامه ای به حسین بن علی علیه السلام از او خواست که در آمدن به کوفه شتاب کند^{۱۰}

با نزدیک شدن موسم حج، که مسلمانان گروه گروه وارد مکه می‌شدند، در آستانه روز ترویه، آن حضرت تصمیم گرفت که به سوی عراق حرکت کند. پیش از حرکت، این خطابه را در میان افراد خاندان بنی‌هاشم و گروهی از شیعیان خویش، که در مدت اقامت آن حضرت در مکه بدو پیوسته بودند، ایراد کرد:

«حمد و سپاس از آن خداست، آنچه خدا بخواهد همان خواهد شد و هیچ نیرویی در مورد فرستاده‌اش حکمفرما نیست، مگر به اراده خداوند و درود و سلام خداوند بر فرستاده‌اش. مرگ بر انسان‌ها لازم گردیده و همانند گردن‌دند در گردن دختران است و من به دیدار نیاکانم آنچنان اشتیاق دارم که یعقوب به دیدار یوسف. و برای من قتلگاهی معین شده است که در آنجا فرود خواهم آمد و گویا با چشمان خود می‌بینم که درندگان بیابانها (لشکریان کوفه) در سرزمینی در میان نوایس و کربلا اعضای مرا قطعه قطعه و شکم‌های گرسنه خود را سیر و انبانهای خالی خود را پر می‌کنند. از پیش آمدی که با قلم قضا نوشته شده است، چاره و گریزی نیست. بر آنچه خدا راضی است ما نیز راضی و خوشنودیم. در مقابل بلا و امتحان الهی صبر و استقامت می‌ورزیم که اجر صبرکنندگان را بر ما عنایت خواهد کرد. میان پیامبر و پاره‌های تن وی (فرزندانش) هیچ‌گاه جدایی نخواهد افتاد و در بهشت برین در کنار او خواهند بود؛ زیرا آنان وسیله خوشحالی و روشنی چشم پیامبر بوده و وعده او (استقرار حکومت‌الله) نیز به وسیله آنان تحقق خواهد یافت.»^{۱۱}

و امام سخنانش را با این جمله پایان داد:

«مَنْ كَانَ بَاذِلًا فِينَا مُهْجَتَهُ وَمُوطِنًا عَلَيَّ لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسُهُ؛ فَلْيَرْحَلْ مَعَنَا، فَإِنِّي رَاحِلٌ مُصْبِحًا إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى»؛ «آگاه باشید! هر یک از شما که حاضر است در راه ما از خون خویش بگذرد و جانش را در راه شهادت و لقای پروردگار نثار کند، پس آماده حرکت با ما باشد که من فردا صبح حرکت خواهم کرد، ان شاء الله.»^{۱۲}

در اینجا توجه به چند نکته ضروری است:

۱. امام علیه السلام از ابتدا تصمیم داشت از مکه خارج شود و از آینده حرکت خود، که در کربلا به شهادت می‌رسد، آگاه بود و در روز هشتم ذی حجه که حجاج عازم منا و عرفات بودند،



مکه را به جانب عراق ترک کردند.

۲. حرکت امام از مدینه به مکه در ماه‌های عمره مفرده؛ یعنی ماه‌های رجب و شعبان صورت گرفت و نه در ماه‌های حج؛ یعنی شوال، ذی قعدة و ذی حجه.

۳. گفتگویی که امام علیه السلام سه روز قبل از حرکت با ابن عباس و محمد حنفیه و دیگران داشت و آنان اصرار می‌کردند که امام علیه السلام از رفتن به عراق منصرف شود^{۱۳} و آن حضرت به ابن عباس می‌فرماید: «إِنِّي قَدْ أَجْمَعْتُ الْمَسِيرَ فِي أَحَدِ يَوْمِي هَذَيْنِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ»؛ «تصمیم گرفته‌ام در این یکی دو روز، به جانب عراق حرکت کنم، اگر خداوند بخواهد.»^{۱۴} و همچنین با عنایت به این سخن امام علیه السلام که در روز قبل از حرکت فرمود: «فَأِنِّي رَاحِلٌ مُصْبِحًا إِنْ شَاءَ اللَّهُ» که امام علیه السلام خود را برای حج آماده نکرده، بلکه مقدمات سفر به عراق را تهیه دیده است.

۴. با توجه به سخن امام صادق علیه السلام که فرمود: حسین بن علی علیه السلام روز ترویه به سوی عراق رفت و در حالی که به عمره مفرده محرم شده بود، معلوم می‌شود که امام از همان ابتدا قصد عمره تمتع نکرده بود و تنها به خاطر احترام کعبه، عمره مفرده به جا آورده بود و اینگونه نبوده است که عمره تمتع را به مفرده تبدیل کرده یا حج تمتع را از باب حکم مصدود به مفرده مبدل کند؛ زیرا اگر امام در ماه‌های حج، محرم به احرام تمتع شده بود، باید برای بستن احرام، به یکی از مواقیت پنجگانه می‌رفت (مسجد شجره، جُحْفَه، یلملم، قرن المنازل و وادی عقیق) و در یکی از آن میقات‌ها احرام می‌بست، نه در ادنی الحَلِّ (تنعیم و جِعْرانَه)، که میقات اهل مکه و میقات عمره مجدد است.

حضور در میقات‌های پنجگانه که فرسنگ‌ها از مکه فاصله دارد، نه در تاریخ آمده و نه در جوامع روایی ذکر شده است.

۵. اگر امام علیه السلام محرم به احرام حج شده بود، باید مانند دیگر مردمان، در بعد از ظهر روز هشتم و روز ترویه در مسجد الحرام احرام می‌بست، در حالی که امام چند روز پیش از حرکت، به طور غیر رسمی و در روز هفتم، به طور رسمی، اعلام کرده بود که صبح هشتم عازم عراق هستم و با این اعلام، جایی برای حکم مصدود باقی نمی‌ماند.

مصدود عبارت است از کسی که دشمن او را از عمره یا حج منع کند.

اگر کسی احرام عمره یا حج را بست و بعد از آن، دشمن یا کس دیگر او را از رفتن به

مکه یا رفتن به عرفات منع کند و راه دیگری نباشد، می‌تواند در همان محل که ممنوع شده، یک شتر یا یک گاو یا یک گوسفند قربانی نموده و تقصیر کند و از احرام خارج شود.^{۱۵} و چنین مطلبی در تاریخ یا حدیث نیامده است.

۶. آنچه از شیخ مفید و دیگران آمده، این است که امام علیه السلام قبل از حرکت، خانه خدا را زیارت کرد و سعی میان صفا و مروه انجام داد و آن را عمره مفرده قرار داد و از احرام خارج شد و هیچ اشاره‌ای به قربانی کردن شتر یا گوسفند نشده است تا نشانهٔ مصدود بودن از آن فهمیده شود.

۷. آنچه از قول شیخ مفید و دیگر بزرگان برداشت می‌شود، تبدیل به عمره مفرده است، که این قول اشاره به تبدیل عمره تمتع به مفرده و نه تبدیل حج تمتع به مفرده، که علامه مجلسی و قندوزی به آن تصریح کرده‌اند...

۸. آخرین نکته این‌که: امام علیه السلام چون عازم عراق بوده، شب یا صبح هشتم به اذنی الحل رفته و به احرام عمره مفرده مُحرم شده و قبل از حرکت به سوی عراق، اعمال خود را به اتمام رسانده و از احرام خارج شده است؛ چنانکه امام صادق علیه السلام با استناد به فعل امام حسین علیه السلام می‌فرماید: «وَلَا بَأْسَ بِالْعُمْرَةِ فِي ذِي الْحِجَّةِ لِمَنْ لَا يُرِيدُ الْحَجَّ» و در عبارت دیگر می‌فرماید: «وَقَدْ اعْتَمَرَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ علیه السلام فِي ذِي الْحِجَّةِ».

۹. دقت در گفتار ابو مخنف کوفی (متوفای ۱۵۷ هجری قمری)، از مورخان مشهور شیعه، قول ما را تأیید می‌کند.

ابو مخنف به سند خود از عبدالله بن سلیم و المذری بن المشعمل الأسدیین که به عنوان حج از کوفه به مکه آمده بودند، نقل می‌کند که گفتند:

«فَطَافَ الْحُسَيْنُ بِالْبَيْتِ وَ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ وَ قَصَّ مِنْ شَعْرِهِ وَ حَلَّ مِنْ عَمْرَتِهِ ثُمَّ نَحَوِ الْكَوْفَةَ وَ تَوَجَّهْنَا نَحْوَ النَّاسِ إِلَى مَنَى»^{۱۶}؛ «حسین علیه السلام برگرد خانه خدا و بین صفا و مروه طواف کرد و کمی از موی خود را چید و از عمره خود بیرون آمد. آنگاه به سوی کوفه روان شد و ما همراه مردم به منا رو کردیم.»

ابن جریر طبری (متوفای ۳۱۰ هجری قمری) نیز روایت ابو مخنف را در کتاب خود آورده است.^{۱۷} همانطور که ملاحظه می‌شود هیچ اشاره‌ای به تبدیل نشده است.



گفتار فقیهان

در ادامه بحث و به عنوان حسن ختام، لازم است به گفتار فقیهانی که متکی بر روایات صحیحه است، استناد کنیم:

۱. مرحوم آیه الله سید محسن حکیم، در کتاب مستمسک العروة می نویسد:

«و اما ما في بعض كتب المقاتل؛ من أنه عليه السلام جعل عمرة مفردة، ممّا يظهر منه أنّها كانت عمرة تمتع و عدل بها إلى الأفراد. فليس ممّا يصحّ التعويل عليه في مقابل الأخبار المذكورة التي رواها أهل الحديث»؛^{۱۸} «تکيه بر آنچه در بعضی از کتاب های مقاتل آمده است که: امام عليه السلام عمرة خود را عمرة مفردة قرار داد؛ یعنی محرم به عمرة تمتع شده بود و نیت خود را به مفردة تبدیل کرد.»^{۱۹}

همانگونه که ملاحظه می کنید، مرحوم حکیم روایت را بر نقل تاریخ ترجیح می دهد و قول تبدیل نیت از عمرة تمتع به مفردة را نمی پذیرد.

۲. مرحوم آیه الله خوئی در کتاب الحج می نویسد:

«قد دلّ بعض النصوص المتعبّرة على جواز الخروج حتى يوم التروية مثل صحيحة إبراهيم بن عمر اليماني،... و في الرواية وإن لم يصرح بجواز الخروج يوم التروية ولكن يظهر من استشهد الصادق عليه السلام بقضية خروج الحسين عليه السلام إنّ ذلك من باب تطبيق الكبرى على الصغرى و إنّ خروجه يوم التروية كان جائزاً في نفسه، و استشهاده بفعل الحسين عليه السلام دليل على جواز الخروج، سواء كان الحسين عليه السلام مضطراً كما في كتب المقاتل و التواريخ، أم لا. و أوضح من ذلك دلالة معتبرة معاوية بن عمار... و الحاصل: لا ريب في أنّ الاستفادة من الخبرين أنّ خروج الحسين عليه السلام يوم التروية كان على طبق القاعدة لأجل الإضطرار و يجوز ذلك لكلّ أحد و إنّ لم يكن مضطراً.»^{۲۰}

مضمون گفتار مرحوم آیه الله خوئی این است: خارج شدن از مکه در روز ترویه جایز است و استشهد امام صادق عليه السلام به قضیه خروج امام حسین عليه السلام دلیل بر جواز خروج از مکه در روز ترویه است و این استشهد از باب تطبیق کبری بر صغری است.

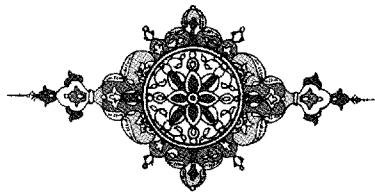
و استفاد از خبر ابراهیم بن عمر یمانی و معاویه بن عمار این است که خروج

امام حسین علیه السلام در روز ترویبه، بر طبق قاعده بوده نه به خاطر اضطرار که در کتاب های تاریخی و مقاتل آمده است.

۳. آیت الله گلپایگانی در «تقریرات البیع» آورده است:

«و ظاهر الروایة (صحيحة معاوية بن عمار) أن فعل الحسين عليه السلام كان لأجل جواز الخروج من مكة في أيام الحج بعد الفراغ من العمرة لأنه ان صدر ذلك منه عليه السلام لأجل الضرورة بقرينة ذيل الرواية المصرح بجواز الخروج في ذي الحجة بعد العمرة لمن لا يريد الحج فإن قوله عليه السلام ولا بأس بالعمرة الخ، مراده أنه يجوز له الإكتفاء والخروج من مكة ولا يلزمه الإتيان بالحج بأن كان في ذي الحجة»^{۲۱}

مضمون گفتار آیت الله گلپایگانی نیز این است که مستفاد از ظاهر روایت معاویه بن عمار، خروج امام حسین علیه السلام از مکه به عراق در روز ترویبه، از باب اضطرار نبوده، بلکه از باب جواز خروج در ایام حج می باشد.



۴. آیت الله جوادی آملی با استناد به روایت ابراهیم بن عمر یمانی می گوید:

این گونه نبوده است که عمره تمتع را به مفرده تبدیل کرده یا حج تمتع را از باب حکم مصدود به مفرده مبدل ساخته باشد.

بنابر این نتیجه این می شود که استناد به عمل امام حسین علیه السلام، به عنوان یک سنت عملی و قاعده فقهی است. امام علیه السلام محرم به احرام عمره تمتع نبوده و عمره تمتع را به عمره مفرده تبدیل نکرده است؛ چنانکه از شیخ مفید نقل شده بود. یا محرم به احرام حج تمتع نشده و آن را از باب حکم مصدود به عمره مفرده مبدل نساخته است؛ چنانکه در بحار الأنوار آمده است، بلکه امام علیه السلام با عمره مفرده وارد مکه و با عمره مفرده ماه ذی حجه از مکه خارج شده است.

همانگونه که از روایت ابراهیم بن عمر یمانی و معاویه بن عمار به صراحت استفاده

می شود.

پی نوشت ها

۱. الارشاد، ج ۲، ص ۶۶
۲. اعلام الوری بأعلام الهدی، ج ۱، ص ۴۴۵
۳. معالم المدرستین، ج ۳، ص ۵۷؛ تاریخ ابن کثیر، ج ۸، ص ۱۶۶
۴. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۹۸؛ المنتخب، ص ۳۰۴
۵. ینابیع المودة لذي القربى، ج ۳، ص ۵۹
۶. کافی، ج ۴، ص ۵۳۵
۷. محمد بن الحسین باسناده عن محمد بن یعقوب مثله وكذلك الكافي، وسائل الشيعة (آل البيت) الحرّ العاملی، ص ۳۱۰، باب: ابواب عمره حديث ۲ و ۳
۸. بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۲۸
۹. ترجمه «وقعة الطف»، ابومخنف، صص ۱۰۸ - ۱۱۰
۱۰. بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۳۵
۱۱. «الْحَمْدُ لِلَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ وَسَلَّمْ خَطَّ الْمَوْتُ عَلَى وُلْدِ آدَمَ مَخْطًا الْقِلَادَةَ عَلَى جِيدِ الْفَتَاةِ وَمَا أَوْلَيْتَنِي إِلَى أَسْلَافِي اسْتِثْنَاءَ يَعْقُوبَ إِلَى يُونُسَ وَخَيْرَ لِي مَضْرَعٌ أَنَا لِأَقِيْبِهِ كَأَنِّي بِأَوْصَالِي يَنْتَقِطُهَا غَسْلَانُ الْفُلُواتِ بَيْنَ النَّوَابِسِ وَكَزْبَلَاءَ فَيَمْلَأُنَّ مِنِّي أَكْرَاشًا جَوْفًا وَاجْرِبَةً سَعْبًا لَا مَجِيصَ عَنْ يَوْمٍ خُطَّ بِالْقَلَمِ رَضِيَ اللَّهُ رِضَانًا أَهْلَ الْبَيْتِ نَضَبَ عَلَى بِلَائِهِ وَيُوقِنَا أَجْوَرَ الصَّابِرِينَ لَنْ تَشُدَّ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ لَحْمَتَهُ وَهِيَ مَجْمُوعَةٌ لَهُ فِي حَظِيْرَةِ الْقُدْسِ تَقَرُّ بِهِمْ عَيْنُهُ وَتَنْجَرُ لَهُمْ وَعْدَهُ مَنْ كَانَ فِيْنَا بَادِلًا مَهْجَتَهُ مُوطَّنًا عَلَى لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسَهُ فَلْيُرْجَلْ مَعَنَا فَإِنِّي رَاجِلٌ مُضِحًّا إِنْ شَاءَ اللَّهُ». (بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۶۷)
۱۲. (بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۶؛ اللهوف، ص ۵۲)
۱۳. دینوری، اخبار الطوال، صص ۲۴۵ - ۲۴۳
۱۴. ترجمه «وقعة الطف» ابومخنف، ص ۱۱۱
۱۵. مناسک حج، مسائل ۱۳۷۰ و ۱۳۷۲
۱۶. مقتل الحسین (علیه السلام)، ابومخنف الأزدی، ص ۶۶
۱۷. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۲۸۹
۱۸. وسائل، باب ۷، از ابواب عمره، حديث ۱۳، ج ۱۴ ص ۳۱۳
۱۹. مستمسک العروه، ج ۱۱، ص ۱۹۲
۲۰. کتاب الحج، ج ۲، ص ۲۳۶
۲۱. تقریرات البیع، ج ۱، ص ۳۵۵

